

کتاب اقتصاد برای همه

علی سرزعی

فصل نهم: سیاست‌های معطوف به اشتغال

خلاصه شده توسط امین آرامش



از صفحه ۲۴۱ تا ۲۵۷

این خلاصه، نکاتی است که به نظر من از سایر مطالب کتاب مهمتر بودند و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد و صرفاً می‌تواند به عنوان یادآور بعد از خواندن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

برخی تداعی‌های ذهنی‌ام را در پانویس نوشته‌ام.

مقدمه

نرخ باروری بالا در سالهای اخیر و مشکل بیکاری زیاد در ایران. بحرانهای مختلف این نسل و پیش‌بینی بحران تامین اجتماعی با سالخوردگی این نسل. نیروهای بیکار پتانسیل‌های محقق نشده اقتصاد هستند. نرخ بیکاری صفر هم مطلوب نیست، وجود تعدادی نیروی بیکار باعث میشود امکان تغییر نیروی کم‌کار وجود داشته باشد.

مفاهیم پایه

جمعیت فعال: افراد بالای ده سال که شاغل یا در جستجوی شغل هستند.

نرخ مشارکت اقتصادی: نسبت جمعیت فعال بالای ده سال به کل جمعیت بالای ده سال گویند.

بیکار: معمولا هر ده سال (یا پنج سال) از طریق سرشماری آمار اشتغال و بیکاری مشخص میشود. اگر فرد در سه هفته گذشته در جستجوی شغل بوده و پیدا نکرده بیکار است، ولی اگر مدتهاست دنبال کار نیست جزء سرخوردگان بازار کار است و بیکار نیست.

نرخ بیکاری: درصد جمعیت شاغل به جمعیت فعال.

بازار کار

بازار کار یکی از چهار بازار مهم در اقتصاد. [سه بازار دیگر: سرمایه، پول، کالا] داستان عرضه و تقاضا در بازار کار و دستمزد تعادلی.

در اغلب موارد اتحادیه‌های کارگری از طریق متحد کردن کارگران تلاش می‌کنند تا بازار کار را از حالت آزاد و رقابتی خارج کنند و به شکل انحصاری در آورند. یکی از راه‌ها فشار به دولت برای تعیین دستمزد بالاتر، معمولا هم چنین اتفاقی می‌افتد.

با انسان طرفیم و انگیزه او مهم است، گاهی دادن دستمزد بیشتر به نفع کارفرماست. همچنین هزینه‌ای که بنگاه برای آموزش نیروی کار کرده را دوست ندارد از دست بدهد.

داستان دستمزد کارا: دستمزد بالا باعث خودنظارتی و افزایش کیفیت میشود چون بهای از دست دادن شغلی با این دستمزد بالا زیاد است.

غیرمقارن بودن دستمزد، نمیشود کاهش داد. تاثیر دستمزد بر انگیزه و افزایش توقعات و غیرممکن بودن کاهش آن توقعات. بنگاه‌های در موارد کاهش درآمد ترجیح میدهد بخشی از نیروی کارش را اخراج کند، چون عملا نمی‌تواند دستمزد را کاهش دهد. در صورت کاهش، نیروهای خوب میروند و نیروی ضعیف هم انگیزه ندارند.

دستمزد هم تابع مکانیسم عرضه و تقاضا است و هم ملاحظات انسانی زیادی دارد که معمولا باعث میشود قیمت آن بالاتر از قیمت تعادلی باشد. اشکال دیدگاهی که میگوید برای افزایش هزینه انرژی باید دستمزدها هم مثل سایر کشورها باشد:

فرقی بین کالاهای قابل و غیرقابل مبادله قائل نمیشود. همچنین نره بهره‌وری نیروی کار در ایران کمتر از کشورهای توسعه یافته است.

مقررات گذاری در بازار کار

به دلیل حساسیت مسائل انسانی، مداخلات در بازار کار معمولاً بیشتر از سایر بازارهاست و در سه محور مطرح میشود:

(۱) حداقل دستمزد (۲) هزینه اخراج (۳) بیمه بیکاری

۲۲ کشور از ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی قانون حداقل دستمزد دارند. در سال ۲۰۰۵ نرخ برای کارگران تمام‌وقت ۳۵ تا ۵۵ درصد میانگین دستمزد بوده. روشن است که حداقل دستمزد قانونی بیشتر از دستمزد تعادلی تعیین میشود. درصد کمی در این نرخ، دستمزد میگیرند و نیروهای بدون مهارت هستند.

این نرخ با توجه به حداقل دستمزد برای اداره خانواده تعیین میشود. اما جوانان مجرد ضرر میکنند چون حاضرند با عدد کمتری کار کنند. در بعضی کشورها نرخ حداقل دستمزد جوانان کمتر از افراد میانسال تعیین میشود.

تحقیقات نشان داده آمار افزایش بیکاری ناشی از افزایش نرخ حداقل دستمزد خیلی هم شدید نیست. (نمونه رشد ۲ تا ۴ درصدی بازای رشد ۱۰ درصدی حداقل دستمزد). ضمناً بازار کار، بازاری کاملاً رقابتی نیست.

یک توضیح برای این پدیده افزایش هزینه‌های مصرفی نیروهای بدون مهارت و به طبع آن افزایش تقاضا برای کالاهای و خدمات و ایجاد شغل‌های بیشتر است.

افزایش کارایی و سلامت نیروی کار بدون مهارت با تعیین حداقل دستمزد. سلامت نیروی کار نقش زیادی در بهره‌وری کار دارد. مطالعات دیگر هم نشان داده افزایش نرخ حداقل دستمزد موجب افزایش مشاغل خوب در اقتصاد میشود. همچنین موجب ایجاد انگیزه برای انباشت سرمایه انسانی میشود که پیامد آن ایجاد رشد است.

امنیت شغلی لزوماً برای اقتصاد مفید نیست و موجب تنبلی و بد کار کردن خواهد شد. بحران کیفیت کار نیروی کار در بخش دولتی در ایران و متأسفانه با قانون کار به بخش خصوصی هم تسری پیدا کرده.

مشکل دیگر هراس از استخدام است وقتی اخراج آن سخت باشد و این موجب افزایش بیکاری خواهد شد. کمتر بودن نرخ بیکاری در آمریکا در مقایسه با اروپا و کمتر بودن امنیت شغلی در آمریکا.

قانون معافیت بنگاه‌های زیر ۵ نفر در ایران از قانون کار برای حل این مشکل. البته منجر به این شده که بنگاه‌ها تمایلی به بزرگ شدن نداشته باشند. در ایتالیا این عدد ۱۵ نفر است.

البته نبود هیچ امنیت شغلی هم مطلوب نیست. چرا باید مهارتی را فرا بگیریم که ممکن است با اخراج از این شغل بکارم نیاید؟ برای رفع چنین نگرانی‌هایی در بسیاری از کشورها اخراج تنها با پرداخت جریمه نقدی نسبتاً سنگین میسر است.

مورد مداخله دیگر در بازار کار، بیمه بیکاری است. نبود بیمه بیکاری خوب در ایران باعث کابوش شدن اخراج شده. وجود بیمه بیکاری منجر به انتخاب شغل بهتر میشود. روند نزولی برای ترغیب جستجوی کار. لزوم اثبات نبودن کار برای فرد بیکار شده.

پرداخت بیمه بیکاری در اروپا سخاوتمندانه‌تر از آمریکاست. برای افزایش این حمایت‌های اجتماعی در اروپا، باید نرخ مالیاتی بالا باشد.

اقسام بیکاری

بیکاری اصطکاکی: به دلیل عدم اطلاع فرد بیکار و کارفرما از هم و وجود فرایند مصاحبه و جستجو و ... برای استخدام. میتوان با استفاده از اینترنت و مراکز کارایی این نوع بیکاری را نا حدی کم کرد. مشکل سازگار کردن شغل با مهارت‌های فرد در جوامع مدرن معنا پیدا کرده و در قدیم که شغل‌هایی مثل کشاورزی مهارت زیادی نمیخواستند این مسئله مطرح نبوده.

بیکاری ادواری: افزایش بیکاری در دوره رکود. اگر با ورود به دوره رکود دستمزد هم کم میشد این بیکاری نبود، اما دستمزد چسبنده و غیرمنعطف است.

بیکاری ساختاری: بیکاری به دلیل ساختار اقتصاد و نوع مقررات‌گذاری دولت. عرضه بیشتر از تقاضا باشد یا میان مهارت نیروی کار و مهارت مورد نیاز بنگاه سازگاری وجود نداشته باشد، بیکاری ساختاری ایجاد میشود. رشد تکنولوژی مهم‌ترین عامل ایجاد بیکاری ساختاری است.

با فرض صفر بودن نوسانات ادواری، جمع بیکاری اصطکاکی و ساختاری نرخ طبیعی بیکاری خوانده میشود. در هر اقتصادی، بسته به ساختار آن، یک نرخ طبیعی بیکاری وجود دارد که در دوران رکود و رونق بین حول این عدد نوسان میکند. اگر قرار باشد نرخ طبیعی بیکاری تغییر کند باید ساختار آن اقتصاد تغییر کند.

بازار کار در ایران

جمعیت فعال به سمت آموزش رفتند فعلا و همچنین سرخوردگان بیکار هم زیاد داریم.

هزینه سرمایه (ماشین آلات) و نیرو انسانی منجر به انتخاب توسط کارفرما بین این دو میشود.

کلید افزایش نرخ اشتغال در افزایش رشد اقتصادی است، چون درآمد سرانه و تقاضا در اقتصاد بالا میرود. برای ایجاد رشد اقتصادی هم سرمایه لازم داریم، نقش مهم سرمایه‌گذاری خارجی در این راستا. همچنین وصل شدن اقتصاد ایران به دنیا هم باعث افزایش سمت تقاضا برای کالاهای تولیدی بنگاه‌ها خواهد شد.

در حال حاضر هم با منعطف کردن بازار کار میتوان نرخ اشتغال را بهبود بخشید. کاهش هزینه اخراج باعث خواهد شد تا نرخ اشتغال بتواند متناسب با تحولات اقتصادی تغییر کند.

قانون کار به نفع نیروهای شاغل و به زیان نیروهای بیکار و جویای کار است. (تمایل کم کارفرماها به جذب نیروی جدید)

محاسبات عددی خوب برای نرخ سرمایه‌گذاری خارجی لازم برای کاهش میزان نرخ بیکاری.

اشتغالی مطلوب است که به لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر باشد. صرفه اقتصادی مهم‌تر است. بیکاری هم لزوما بد نیست، منجر به بازتوزیع نیروی کار در مشاغل پرسودتر و تخصیص بهینه منابع (نیروی کار) خواهد شد.